



## بالاتر از دروغ

### من سالم هستم



**قدس زندگی:** «... در روزهای گذشته، بهمن پرورش، غواص کرمانشاهی اجساد چند جوان را از سد کرج خارج کرد. او در کارون نیز اجساد سه نفر از جانب‌اختگان اعتراضات سراسری آبان را که در جنایت نيزا ماهشهر کشته شده بودند، کشف کرده بود... اکنون چهار روز است هیچ خبری از بهمن پرورش نیست و خانواده وی گفته‌اند مأموران اطلاعات سپاه شبانه بدون ارائه حکم بازداشت، از در دیوار خانه وارد شدند و پس از جست‌وجوی خانه و زدن دستبند و چشم‌بند او را دستگیر کرده‌اند...

از محل بازداشت وی و اتهامش هیچ اطلاعی در دست نیست...»

بعید است در چند روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی و اینجا و آنجا، پست و مطلب بالا را ندیده باشید. البته ما توقع نداریم روزی، روزگاری شایعه‌سازها از شایعه‌بازی خسته شوند، همان طور که توقع نداریم شما هم با یک نگاه به شایعه بودن خبر بالا پی برده باشید.

برای همین توجه شما را به توضیح «بهمن پرورش» در گشت و گو با خبرگزاری‌ها جلب می‌کنیم: «در این چند روز اخیر انواع و اقسام شایعات را برای من رقم زدند.

برخی مردم ناگاه هم آن را بازنشر دادند. مثلاً در این شایعات گفتند من به سد کرج رفتم تا یک غریق را نجات دهم اما دیدم تعداد زیادی جنازه آنجاست و زمانی که من آن را به مأموران اطلاع دادم آن‌ها من را بازداشت کردند... یک روز گفتند من سدکرج رفتم، روز دیگر گفتند رفتم لتیان و یک روز هم سد کارون... یک روز دیگر هم آمدند و گفتند اطلاعات به من آمبول زدند و حافظه‌ام را از دست دادم و حتی فلج شدم و روی ویلچر نشستم، همه این‌ها را من تکذیب می‌کنم و الان که صحبت می‌کنم سالم هستم.»

## روزمره‌نگاری

### ایستاده در سکوت

**رقیه توسلی:** بسته‌ای را که به آدرس خانه‌ام آمده، تحویل می‌گیرم. تمام سرم از یک کلمه پر می‌شود، «علی» درنستیم می‌گویم: اخ اخوی... اخوی... مهربانی‌ات را قربان. آن وقت کادو به بغل می‌نشینم روی صندلی. پیش‌پیش می‌دانم قرار است چشم به جمال چه لعبتی باز شود. آخر او را که انتهای زیبایی شناسی است به اندازه کافی می‌شناسم. دلم نمی‌آید تنها تنها لذت را سر بکشم. پس همان‌طور که از خودخواهی‌ام کم می‌کنم تا آقای همسر بیاید، نگاه خزانم می‌افتد به دستخوشی... به جمله‌ای که گوشه سمت راست پاکت نوشته... به او که استاد غافلگیری پشت هم است... به برادر آن‌ور آب‌ها و داد می‌زنم وای هنوز که نقلا و دیوانه‌ای اخوی! Listen to what people do not say

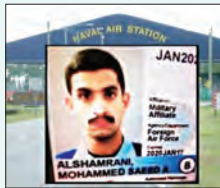
۱۰ بار تلنگرش را رزمزمه می‌کنم با خودم و سیر نمی‌شوم. در ذهنم مصداق‌های نوشته‌اش را مجسم می‌کنم. آدم‌های حرف نزی که همین دیروز، امروز و هر روز می‌بینم. مثلاً دختری که چشم‌هایش توی ایستگاه داد می‌زد دوست ندارد به عنوان نفر وسط، سوار تاکسی شود. کارمندی که نشسته بود پشت باجه بانک، اما نگاهش می‌گفت اینجا چه کار می‌کنم حالا که از آنفلوئزا دارم غش می‌کنم. مردی که از دستفروش گل بخرد، اما لال زدنش جوری بود که انگار می‌گفت چرا پولش را ندارد که عطر نرگس بگیرد خانه‌اش. پدربزرگی که خیره به پسر کی دوچرخه‌سوار انگار می‌گفت کجایی جوانی که پادشاه پدربزررر... یا «آفرینش» وقتی که از پس ته دیگ ماکارونی برنیماد و سوزاندش، اما ته نگاهش زار می‌زد انگ آتش ز ناشی را کاش نکونید روی پیشانی‌اش. یا «ایان» که با جفت چشم‌های عسلی‌اش داشت «گلی‌جان» را قورق می‌داد بابت تراشیدن مدارنگی قرمزش و به وضوح هر بیننده‌ای می‌شنید که می‌گوید: این دفعه آخر است که بخشش کردم. شاد نوشت: «علی‌جان» چه نصیحت قشنگی پست کرد برام:

Listen to what people do not say

به حرف‌هایی که آدم‌ها نمی‌زنند گوش کن

## دور دست‌ها

### چون ما خیلی خوبیم!



«داگ بندو» را شاید بشناسید. از اعضای ارشد اندیشکده «کتبو» در آمریکا است. ماجرای دو هفته پیش را هم قطعاً شنیده‌اید که یک خلبان در حال آموزش عربستان، نیروهای نظامی آمریکایی را در پایگاه هوایی پنسکولا به رگبار بست و سه ملوان را کشت. حالا «داگ بندو» در مقاله‌ای به تحلیل این ماجرا پرداخته است. بخش‌هایی از آن را به نقل از «فارس» بخوانید: «ارتش آمریکا خلبانان عربستان سعودی را در آمریکا آموزش می‌دهد تا بعداً بتوانند هزاران کیلومتر دورتر غیرنظامیان یعنی را سلاخی کنند. شوربخانه بخشی از این خشونت به طرف خود ما بازگشت. مقامات آمریکایی وقتی اقدامات تروستی علیه‌شان اتفاق می‌افتد معمولاً اصرار دارند این اتفاقات به این دلیل رخ می‌دهند که ما خیلی «خوب» هستیم! اما هیچ کدام آن‌ها نگفته‌اند که به این دلیل مرتکب این اقدامات شده‌اند که ایالات متحده دارای متمم اول قانون اساسی است، انتخابات‌های دموکراتیکی برگزار می‌کند یا جهان را محض خاطر خدا و به طور خیریه رهبری می‌کند.

همین خلبان آموزشی سعودی در پنسکولا را در نظر بگیرید. او در توئیتر اعلام کرده بود: «من به خاطر آمریکایی بودنم نیست که دشمن شمایم. من از شما نفرت دارم به خاطر اینکه هر روز جرم و جنایت نه تنها علیه مسلمانان بلکه علیه بشریت را حمایت می‌کنید، تأمین مالی می‌کنید و مرتکب می‌شوید. شکایات الشمرانی از سیاست خارجی آمریکاست که امروز غالباً به معنای بمباران، حمله و اشغال دیگر کشورها و کشتن مردم آن‌هاست.»

مجموعه ۱۰ جلدی «ضرب‌المثل‌های دم‌دار» منتشر شد

# آموزش مهارت‌های زندگی با ضرب‌المثل‌های فارسی



## فشرده‌گی در صدر جدول

# پیکان در شهر خودرو چپ کرد

## ۱۱

خطر از بیخ گوش تیم ملی کشتی آزاد گذشت

## یزدانی

## مصدومیت را هم ضربه کرد

## ۱۱

حمله بازیکنان استقلال به استراماچونی

در رختکن

## دیگر برنگرد!

## ۱۰

بردهای پرسپولیس دورقمی شد

## به نام ترابی

## به کام کالدرون

پولسازترین بازیگر سینما پس از ۱۱ سال به تلویزیون برمی‌گردد؟

# این «عطاران» آن «عطاران» نیست!

### باز گشت باشکوه؟

علاوه بر مسئولان صداوسیما، خود عطاران هم هنوز درباره بازگشتش به تلویزیون واکنش نشان نداده اما آن‌هایی که در عرصه سینما و تلویزیون دستی بر آتش دارند، می‌گویند اگر این ماجرا صحت داشته باشد، باتوجه به موفقیت‌های رضا عطاران در گیشه سینما در سال‌های اخیر، احتمالاً همکاری او با صداوسیما، یکبار دیگر سریال‌های طنز تلویزیونی را به ارج و قربی که در دهه ۸۰ پیدا کرده بودند، می‌رساند. این کارشناس‌ها، برای نمونه هم سریال پرمخاطب «بزنگاه» را مثال

می‌زنند که آخرین همکاری رسمی عطاران با تلویزیون هم به‌حساب می‌آید. سریالی که البته حاشیه هم کم نداشت و خیلی‌ها اصلاً حاشیه‌های همان سریال را که منجر به سانسور و ممیزی قسمت‌های زیادی از آن شد، عامل اصلی قهر آقای عطاران با تلویزیون می‌انند.

### سخیف و عوام‌پسند

از آن‌طرف عده‌ای هم می‌گویند این درست که عطاران در تمام این سال‌ها فروش‌های میلیاردی نداشته و خیلی‌ها اصلاً حاشیه‌های همان سریال را که منجر به سانسور و ممیزی قسمت‌های زیادی از آن شد، عامل اصلی قهر آقای عطاران با تلویزیون می‌انند. پرفروش عطاران، در رده فیلم‌های «سخیف» و «عوام‌پسند» قرار می‌گیرند، نباید انتظار داشته باشیم رضا عطاران در تلویزیون جادو جنبل کند و حضورش، یکبار مخاطبان از دست رفته رسانه‌ملی را جذب تلویزیون کند. موضوعی که به نظر می‌رسد آنچنان هم بیراه نباشد. همین الان اگر نگاهی به کارنامه سینمایی آقای عطاران در سال‌های اخیر بیندازید، متوجه خواهید شد به جز فیلم‌های معروفی مثل «هنگ عنبیر» و «هزارپا» - که بعضی از منتقدان سختگیر همان‌ها را هم کمدی سخیف می‌دانند- سایر فیلم‌هایی که آقای عطاران در مقام کارگردان یا بازیگر در آن‌ها حضور داشته، هرچند فروش گیشه بالایی را تجربه کردند اما به قول مسعود فراسی در دسته فیلم‌های «ماقبل نقد» قرار می‌گیرند که حتی یک جنبه فنی هم در آن‌ها پیدا نمی‌کنید، چه برسد به آنکه نخواهید نقدش کنید!

به همین خاطر افرار نیست اگر بگوییم رضا عطارانی که با طنزهای اصولی و حساب‌شده‌اش در دهه ۸۰ توانست در مدت کوتاهی به ستاره تلویزیون تبدیل شود، هیچ‌جوره به عطارانی که در این روزها به قول خودش حاضر است به قیمت در آوردن لباسش هم که شده مخاطب را بخنداند و گیشه سینما را در اختیار بگیرد، شباهتی ندارد. با این همه اما باید منتظر بمانیم تا ببینیم در صورت حضور عطاران در تلویزیون آیا مردی که لقب «پولسازترین بازیگر سینمای ایران» را یدک می‌کشد، یک بار دیگر می‌تواند مخاطب امروزی را پای سریال‌های تلویزیونی بنشاند یا نه؟

رضا عطاران به تلویزیون برگردد؛ حتی او را بارها تا دم در صداوسیما آورد اما اتفاقاتی افتاد که این میسر نشده. مشکلات عطاران با تلویزیون حل می‌شود و هرچه زودتر او به تلویزیون باز خواهد گشت چون صداوسیما رضا عطاران است. الان رضا عطاران در نقطه‌ای قرار گرفته که به نظر تقریباً تمامی نقش‌هایی را که می‌شود، در سینما تجربه کرده و می‌تواند به تلویزیون برگردد و یک سریال خوب دیگر برای رسانه ملی بسازد، این مسئله را با خودش هم مطرح کرده و او نیز موافقتش را اعلام کرده است.

مسئولان صداوسیما اما هنوز به ماجرای بازگشت رضا عطاران به تلویزیون واکنش نشان نداده‌اند. همان‌طور که انتقادهای آقای مهام به این نهاد را هم بی پاسخ گذاشته‌اند. با وجود این، اما می‌دانیم در تمام سال‌هایی که عطاران برای تلویزیون طاقچه بالا می‌گذاشت، مسئولان همیشه رایی‌هایی را برای بازگشت او به تلویزیون انجام داده‌اند. نمونه‌اش

غلامرضا الماسی، مدیر گروه فیلم و سریال شبکه یک و قائم مقام سابق سیمافیلیم، که در مردادماه همین امسال، از مذاکراتش با مهران مدیری و رضا عطاران برای ساخت سریال پرده برداشته بود.



### طاقچه بالا

آقای مهام در ادامه مصاحبه‌اش و پس از اینکه در مصاحبه با صداوسیما، حساسی از این نهاد گلایه کرد، درنهایت گفت: «من چند بار تلاش کردم

## مجاز آباد

### منظورم این نبود



علی مطهری چندروز پیش مدعی شد چند نفر از اعضای شورای نگهبان، نمایندگان را تهدید کرده‌اند که در صورت استیضاح وزیرا، در دوره بعد رد صلاحیت خواهند شد! عیاسی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان هم در پاسخ به مطهری، در صفحه توئیترش نوشت: «ادعای تهدید به رد صلاحیت نمایندگان، دروغی است آشکار که از سوی یک نماینده مطرح شده است.» آقای مطهری هم در پاسخ نوشته است: «جناب کدخدایی حرف من این بود که افراد مرتبط با شورای نگهبان به نمایندگی می‌گویند امضایت را پس بگیر و نماینده این طور برداشت می‌کند که اگر پس بگیرد ممکن است ردصلاحیت شود.

در تویتت کردن عجله نکنید.

## غذای مسئولان را هم می‌دهیم!



پس از ادامه‌دار شدن ماجرای آبرگفتگی معابر عمومی در خوزستان، کاربران فضای مجازی با هشتگ‌های #هواز و #خوزستان سعی کردند صدای مردم این مناطق را به گوش مسئولان برسانند. در ادامه چند نمونه از تویت‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «بساندرا تا کمر رفتن توی آب

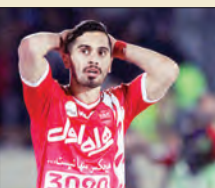
اما کار اصلی رو مسئولان دارن انجام میدن که زیرپای میرن...هواز رو آب برد مسئولان رو خواب... مردم محله معین: زاده هواز شاکي هستند که ما گدا نیستم که برای ما ازراق می‌آورند... ما حاضرم غذای همه مسئولان را هم بدهیم اما مسئله آبرگفتگی را که بیش از ۲۰ سال است مصیبت درستی می‌کند، حل کنند.»

## «شاخ»‌ها مالیات می‌دهند



می‌دهد در آمد برخی چهره‌های معروف اینستاگرام از تبلیغات در صفحات خود به بیش از ۱۰۰ میلیون تومان در ماه می‌رسد. با اینکه معافیت مالیاتی سلبی‌تی‌ها در روزهای گذشته حاشیه‌ساز بوده، اما برنامه جدید درباره شاخ‌های مجازی، باعث خوشحالی مالیات‌دهندگان خواهد شد.

## به نظر مربی احترام می‌گذارم



امید عالیشاه، درباره شایعاتی که در چند روز اخیر در زمینه احتمال قرار گرفتنش در لیست مازاز پرسپولیس مطرح شده است، در صفحه اینستاگرامش نوشت: «در این چند سال از هیچ کوششی برای سربلندی پرسپولیس دریغ نکردم و باهمه وجودم در میادین مختلف حاضر شدم، اما متأسفانه

چندی است که با بی‌مهری‌هایی روبه‌رو می‌شوم که با وجود این موارد باز هم هر بار تلاش خود را دو چندان می‌کنم تا جایی در تفکرات سرمربی محترم داشته باشم که گویا هنوز از نظر ایشان به معیارها و فاکتورهای مدنظر نرسیده‌ام... ولی باز هم به نظر ایشان احترام می‌گذارم.»



